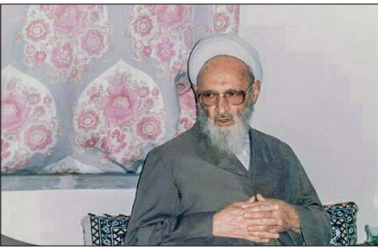




فرزند آیت‌ا... حسن‌زاده‌آملی:

علامه‌با جان و دل از انقلاب دفاع کرد



حضرت آیت‌ا... حسن‌زاده‌آملی از علمای ربّانی و انقلابی، در تاریخ ۳ مهرماه ۱۴۰۰ دارفانی را وداع گفت. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به یخشی از پیام تسلیت، به مناسبت در گذشت آن سالک توحیدی، فرمودند: «این روحانی دانشمندو ذوفنون از جمله چهره‌های نادر و فاخری بود که نمونه‌های معدودی از آنان در هر دور، چشم و دل آشنایان را می‌نواز دو تاؤ ما دانش و معرفت و عقل و دل آنان را بهره‌مند می‌سازد. نوشته‌ها و منشآت این بزرگوار منبع پرفیزی برای دوستداران معارف و لطائف‌بوده و خواهد بودان شاءا...» پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب در گفت‌وگویی باحجت‌الاسلام‌عبدالله حسن‌زاده، فرزند علامه، به بررسی سوابق علمی و سیره اخلاقی و انقلابی آن سالک توحید پیر داخ‌ته است که فر ازهایی از آن را در ادامه می‌خوانید:

رهبر انقلاب در پیامشان، به‌مواضع انقلابی علامه حسن‌زاده اشاره داشتند. مصادیقی از مواضع و اقدامات انقلابی علامه را تشریح فرمایید.

در زمان انقلاب، حضرت علامه ملجأ و پناه مردم آمل بود و در حر کت‌هایی که انجام می‌گرفت، حضور داشت و مشورت می‌داد. بعد از انقلاب هم تازمانی که در آمل بود، کارها با نظارت ایشان انجام می‌شد؛ حتی زمانی که امام‌تشریف‌آوردند، علامه خدمت امام رسید و به ایشان عرض کرد که آقا جان! من طلبه‌ای هستم در آمل، هر امری هست بفرمایید آن‌جا من با جان و دل برای این انقلاب مصروف‌ام. ایشان با جان و دل از انقلاب دفاع می‌کرد. یک‌بار جمعی از دوستان که به‌قم می‌آیند، درباره مسئله انتظار و ظهور حضرت حجت‌عجل‌ا... تعالی فرجه‌الشریف سوالاتی داشتند. حضرت علامه به آن‌ها می‌گوید این‌جا علم دنیاست، ظهور اگر برای این‌جاست به‌تدریج انجام می‌شود و بعد اشاره کردند که انقلاب اسلامی‌ما، از طلوع‌ای از ظهور آن حضرت است که در ایران اسلامی رخ داده. این تعبیر بسیار بلند و عالی حضرت علامه در باره انقلاب بود. همان‌طور که همه می‌دانند علامه در زمان رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای هم با جان و دل، هم از رهبری و هم از انقلاب دفاع‌جانانه کرد. وقتی کتاب «انسان در عرف‌عرفان» نوشته‌شد، در مقدمه کتاب را به رهبر انقلاب تقدیم و زمانی هم که ایشان به‌آمل تشریف‌آوردند، کتاب‌ان‌تقدیم‌شان کرد. حضرت علامه همیشه در سخنرانی‌های خود از حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای حمایت می‌کرد.

خاطره‌ای از مسراودات علامه حسن‌زاده و رهبر انقلاب در ذهن دارید؟
بعضی‌هانی می‌دانند که اداره کردن کشور چه‌معنایی دارد. د زیر و بم و سختی روزگار نشچیده‌اند. علامه می‌گفت چه کسی بهتر از ایشان است؟ چه کسی می‌تواند این کشور بزرگ را با عظمت اداره کند و به پیش برود؟ ایشان شایسته این جایگاه هستند، چر ا که هم تجربه دارند، هم عالم‌اند و ره‌وحانی متقی و پارسایی هستند. ایشان می‌گفت باید خدا را برای این نعمت شکر کنیم که چنین فردی رهبر انقلاب است و دارد کشور را هدایت می‌کند و بعضی‌ها نمی‌دانند که هدایت این کشور بزرگ با تمدنی کهن چقدر سخت است. کسی که این بار و امانت را به‌دوش می‌کشد، باید مردان میدان باشد. این علاقه‌هم‌دو طره‌ف‌بود. رهبر انقلاب گاهی اوقات که قم تشریف می‌آوردند، به‌منزل علامه حسن‌زاده می‌رفتند و باهم دیدار می‌کردند.

در غم رحلت احمد(ص) دل‌ما تاب نداشت داغ افزون شده با سوگ رضا(ع) و حَسَنَش(ع)

گفت‌وگوبا حجت‌الاسلام دکتر محمدرضا جباری و دکتر علیرضاوسعی استادان تاریخ اسلام درباره ویژگی‌های سیره پیامبر اعظم(ص) امام‌علی‌بن‌موسی‌الرضا و امام حسن مجتبی، علیهما السلام

گروه اندیشه – خورشید روزهای پایانی ماه صفر، هنگامی در افقی خون‌رنگ ناپدید می‌شود که مسلمانان، سوگوار یتیمی خویش‌اند؛ سوگوار عروج رسولی که پدرانه به فکر آن‌ها بود و با مهربانی‌اش، غبار غم را از صورت مؤمنان پاک می‌کرد. ای رحمت خداوند بر آدمیان! با کدام کلمه می‌توان ماتم فقد تو را توصیف کرد؟ کدام واژه است که در برابر سنگینی غم معراج همیشگی تو، زانو نزند؟ کدام دلی است

اصول سه‌گانه دعوت در سیره حضرت ختمی‌مرتبت(ص)

گفت‌وگوبادکتر علیرضاوسعی، استاد تاریخ اسلام درباره ویژگی‌های شخصیت و نوع دعوت پیامبر خدا(ص) که آن حضرت ودین‌آور از دیگر پیامبران وادیان متمایز می‌کند



حمیدرضا حجابیان – رحلت جانسوز حضرت ختمی‌مرتبت، محمدمصطفی(ص)، بزرگ‌ترین مصیبت تاریخ بشریت است؛ آن پیامبر رحمت که از سر مهر و عطفوت، چتر محبت را بر سر بندگان خدایم گستر دو ایمان و تقوار زیر سایه این مهر الهی، به فرزندان آدم هدیه می‌کرد. بی‌تردید جامعه انسانی، با همه تاریخ‌عریض و طویل خود، هیچ‌گاه وجود چنین راهبری را تجربه نکرده‌بود و پس از رحلت آن یگانه‌نیز، دیگر کسی همانند وی به عرصه گیتی پای نگذاشت. خداوند، محمدمصطفی(ص) را از سر رحمت به‌راهنمایی بشر فرستاد و او، طی ۲۳ سال نبوت خویش، عالی‌ترین درس‌های انسانیت را به انسان‌ها آموخت؛ درس‌هایی که اگر نوع بشر آن‌ها مورد توجه قرار دهد و برای تطمیع نفس سرکش، از آن گوهرهای نایاب روبرنگرداند، زمین بهشت‌برین خواهد شد و آدمیت به کمال مطلوبی که حضرت حق برایش تدارک دیده‌است، دست‌خود یافت. جایگاه پیامبر خدا(ص) نه فقط به واسطه ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی، بلکه از منظر پیام دعوت و نوع هدایت مردم، ممتاز و منحصر به‌فرد است، جایگاهی که باید آن را نمونه‌ای از اعجاز الهی بدانیم؛ اعجازی که خود می‌تواند راهنمایی برای راهیابی انسان‌ها در مسیر تعالی باشد. برای آشنایی بیشتر با شاخص‌ها و محتوای این دعوت و در آستانه سالروز رحلت پیامبر خدا، حضرت محمد(ص)، بادکتر علیرضا واسعی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پژوهشگر حوزه تاریخ و تمدن اسلام، گفت‌وگو کردیم.
اودر سخنانش، دعوت پیامبر خدا(ص) را انگاره‌ای معجزه‌ز در تاریخ بشری «خواند و از» تأکید بر توحید، که امرت و عزت انسان» و «عدالت و برابری» به عنوان بن‌مایه‌های اساسی دعوت آن حضرت یاد کرد.

پیامبر خدا(ص) چه جایگاهی نسبت به دیگر انبیای الهی دارد؟ آیا این جایگاه بر نوع دعوت آن حضرت اثر می‌گذارد؟

بر اساس متون دینی و روایی، پیامبران پرشماری از طرف خداوند، برای راهنمایی و هدایت آدمیان برانگیخته شدند؛ اما سطح اثر گذاری و نقش آفرینی آن‌ها یکسان نبوده‌است. برخی از آنان، در نهایت، انسان‌های بانفوذی بودند که توانستند با بهره‌گیری از زمینه‌ها، فرصت‌ها و امکانات در اختیار، مردم جامعه خود را به‌سوی اهدافی مشخص رهنمون شوند و عملاً، دامنه فعالیت ودعوت آنان، به محیط‌و حادکثر، زمانه‌ای که در آن می‌زیستند، محدودماند و بیش از آن که به‌توانمندی‌های خارق‌العاده و نبوغ متمایز خود متکی باشند، همچون حلقه‌ای گرزنجیره انسانی زمان خودوار دومانع گسست تاریخی و اجتماعی

هوشمندانه و قابل توجه و بررسی است؛ شکل و ساختاری اصولی، روشمند، همراه با پشتکار نستوهانه و مومنانه که توانست در اندک‌زمانی، مردم زمانه‌اش را به‌سوی خودبکشاند و انتظار آنان را به‌سوی خویش جلب کند. برخی از جنبه‌های این دعوت، با توجه به زمانه دوران حیات‌ظاهری پیامبر(ص) و نیازهای آن طراحی شد؛ اما بی‌تردید، بخش دیگری از آن که اتفاقابخش مهم راهبردی دعوت اوست، بر تمام تاریخ بشری اثر گذاشته و می‌گذارد.

بخش دوم دعوتی که به آن اشاره کردید، یعنی دعوتی که در تمام عصرها و برای همه نسل‌ها، کاربرد دارد و در مسیر زمان جاری است، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

دعوت رسول خدا(ص)، در همه ابعادش، به‌واقع انگاره‌ای معجزه‌گون در تاریخ بشری است. اما اگر بخواهیم آن را در فضایی که مورد اشاره قرار دادید، بررسی کنیم، باید بگوییم که دعوت نبوی، با رویکردی انسانی و جهانی (رحمة للعالمین) معطوف بر سه اصل بنیادین است؛ اصولی که برای همه آدمیان و در همه دوران‌ها، به مثابه آرمانی والا محسوب می‌شود؛ نخست: توحید و نفی همه خدایان دیگر، دوم: کرامت انسانی، عزت شخصیتی و احترام اجتماعی و سوم: عدالت و برابری انسان‌ها در مقابل قوانین و بهره‌مندی از حقوق. همه اصول و ارزش‌های دیگر اسلامی، از این سه اصل ریشه گرفته و بالیده‌است و نفی و طردهر یکی از این‌ها، به‌معنای نفی ورد اساس دعوت اسلامی است. تأکید بر توحید، نه به‌معنای تنزیه خداوند از شرک و همپاز از آدمیان، افرادی هستند که کسی نمی‌تواند جای آنان را بگیرد. پیامبر خدا(ص) در این طبقه جادارد و جدای از باورهای اسلامی، آن حضرت انسانی متمایز، قهرمانی با اراده و شخصیتی فراتر از دیگران، حتی برتر از همه پیامبران بود؛ چنان که در روایات اسلامی بر این نکته تأکید فراوان شده‌است.

به نظر می‌رسد بنیان نهادن

اساس تمدن بزرگ اسلامی، آن هم در جغرافیایی که در حصار جاهلیت گرفتار بود، دلیلی قوی برای تأیید مطلبی باشد که به آن اشاره کردید.

همین‌طور است. پیامبر خدا(ص) در جامعه‌ای جاهلی، بدون امکانات، سانه‌ای و بایبند کمترین تعاملات سیاسی و اجتماعی، به طراحی جامعه و شکل‌دهی تمدنی دست زد که در حد معجزه قابل شناسایی است. شاید بیش از هر چیز، این الگوی دعوت ایشان بود که توانست پیروزی‌های پیاپی و مستمری را به دنبال آورد؛ دعوتی که از نظر شکل، صورت، ساختار و محتوا مدبرانه،



تاریخی، امام مجتبی(ع)، خسته از کار روزانه به خانه برگشت تا دمی بیاساید؛ تشنه بود؛ آب طلب کرد و جده، در کوزه‌ای، برای امام(ع) آب آورد؛ آبی که به آن زهر قاتل آلوده بود. امام مجتبی(ع) آب مسموم را نوشید و شد، آن‌چه نباید می‌شد. طبق گزارش مسعودی در «مروج الذهب»، فرزند زهرای اطهر(س)، سه روز پس از مسموم شدن در قید حیات بود و سپس، شربت شهادت نوشید. می‌خواستند آن حضرت را در کنار جدش، به خاک بپارند، اما امویان مانع شدند و حتی تابوتی را که پیکر مطهر امام حسن(ع) در آن حمل می‌شد، تیرباران کردند. امام حسین(ع) و بنی‌هاشم، به اجبار، امام حسن مجتبی(ع) را در قبرستان بقیع و در کنار مرقد مطهر مادر امیرمؤمنان، فاطمه بنت اسد(س)، به خاک سپردند.

اندیشه



محنت نیست که فراقی دیگر در راه است؛ در غربت توس، در محاصره‌ای که فرزند هارون برای عالم آل محمد(ص) تدارک دیده، علی بن موسی‌الرضا(ع)، چشم انتظار آخرین دیدار با فرزند دل‌بند است و پس از آن، عروج و ملاقات با معبود. وصف این غم‌ها، با دایره محدود و ازگان میسر نیست. این داغ، داغی ابدی است که دل هر انسان آزاد‌ه‌ای را زار می‌دهد؛ آجر کا... یا صاحب‌الزمان(عج).

احیای سنت نبوی در سیره عملی ثامن الحجج(ع)

گفت‌وگوبا حجت‌الاسلام دکتر جباری، استاد تاریخ اسلام درباره روش‌های امام رضا(ع) برای بازآموزی معارف اصیل اسلامی به جامعه و مبارزه با انحرافات



66

در ماجرای انتقال اجباری

امام رضا(ع) از مدینه به مرو،

ثامن الحجج(ع) برای آخرین بار به

زیارت مرقد پیامبر خدا(ص) می‌رود

و با آن حضرت وداع می‌کند؛ صرف

نظر از پیام این اقدام به مردم، یعنی

سفر بی‌بازگشتی که پیش‌روی

امام رضا(ع) قرار دارد، آن حضرت

می‌خواهد به همه نشان دهد که ملجأ

و مبدأ اعتقادات مسلمانان، سیره و

سنت پیامبر خدا(ص) است و آنان

که در پی انتقال اجباری او به مرو

هستند، در واقع بر خلاف این سنت

رفتار می‌کنند

می‌کند؛ صرف نظر از پیام این اقدام به مردم، یعنی سفر بی‌بازگشتی که پیش‌روی امام رضا(ع) قرار دارد، آن حضرت می‌خواهد به همه نشان دهد که ملجأ و مبدأ اعتقادات مسلمانان، سیره و سنت پیامبر خدا(ص) است و آنان که در پی انتقال اجباری او به مرو هستند، در واقع بر خلاف این سنت، رفتار می‌کنند. در طول مسیر، به هر جا که می‌رسد، این مسئله را در قالب سخنان و رفتارهای مختلف و گوناگون، به مردم عرضه می‌کند؛ در نیشابور با روایت حدیث (سلسلة الذهب، عملاً به مردم یادآوری می‌کند که سنت و سیره پیامبر(ص) متروک‌مانده‌است و برای زدودن بدعت‌ها، روی جزمسک به خاندان عصمت و طهارت و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیست. مشابه این جریان را در قضیه بیعت کردن با امام رضا(ع) در یری می‌بینید؛ آن حضرت بر خلاف شیوه متداول، بیعت با مردم را با همان روشی انجام داد که مطابق با سیره نبوی بود. یکی دیگر از مصادیق توجه‌عملی امام رضا(ع) به احیای سنت پیامبر خدا(ص)، نوع رفتار آن حضرت در ماجرای اقامه نماز عید فطر در مرو است؛ البته برخی گفته‌اند نماز عید قربان بوده‌است؛ اما تفاوتی در اصل بحث ما نمی‌کند؛ مردم بیرون اقامتگاه امام(ع) منتظر هستند که ایشان با همان شیوه و روش خلفای اموی و عباسی و حکمرانان آن‌ها از خانه بیرون بیایند و عازم اقامه‌نماز عید شود؛ سوار بر اسب، ملئس به لباس‌های فاخر و همراه با بتختر خاصی که در میان این دودمان‌ها شایع بوده؛ اما چنین نشد. امام رضا(ع) پایای برهنه از منزل بیرون آمد، در حالی که لباس سفید و ساده‌ای بر تن داشت و عمامه‌ای سفید و معمولی به سر بسته بود؛ چند گام حرکت می‌فرمود و سپس می‌ایستاد و تکبیر می‌گفت. وقتی از امام(ع) درباره این روش پرسیدند، فرمود که سنت جدم، پیامبر خدا(ص) است. با این رفتار، هم اصل سنت نبوی را به مردم نشان داد و هم متذکر شد که روش حاکمان، چقدر با اصل تعالیم اسلام فاصله دارد و درواقع، چه بسیار گردوغبار بدعت، روی آن‌ها را پوشانده‌است.